



بررسی تأثیر مدیریت محلی بر توسعه اجتماعی (مطالعه موردی: ساکنین ناحیه ۷ منطقه ۲ شهرداری تهران)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۶/۳۰ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۸/۲۹

شادی مشیری اصل

دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت شهری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات
1shadimoshiri@gmail.com (مسئول مکاتبات)

ابراهیم آلبو نعیمی

استادیار دانشگاه بین‌المللی خلیج فارس Ebrahimnaiemi@yahoo.com

چکیده

مقدمه و هدف پژوهش: توسعه پایدار شهری، از طریق تصمیم‌گیری مشارکتی در سطح محلی امکانپذیر است. این پایان‌نامه با هدف بررسی تأثیر مدیریت محلی بر توسعه اجتماعی انجام شده است.

روش پژوهش: پایان‌نامه حاضر از لحاظ هدف کاربردی بوده و یک پژوهش مقطعی محسوب می‌شود. همچنین یک پژوهش توصیفی - پیمایشی می‌باشد. گردآوری داده‌ها به دو صورت مطالعه اسنادی (کتابخانه‌ای) و تکمیل پرسشنامه محقق ساخته بوده است. جامعه آماری این پژوهش، ساکنین ناحیه ۷ منطقه ۲ شهرداری تهران می‌باشند که تعداد نمونه از طریق جدول مورگان ۳۸۴ نفر محاسبه شد، روش نمونه‌گیری نیز بصورت خوشه‌ای تصادفی می‌باشد. روایی پرسشنامه حاضر از نوع روایی ظاهری و پایایی آن با استفاده از نرم افزار SPSS و فرمول آلفای کرونباخ ۰/۷۶ محاسبه شده است در بخش معادلات ساختاری نیز از نرم افزار لیزرل استفاده شده است.

یافته‌ها: نتایج نشان می‌دهد توزیع داده‌ها در کلیه شاخص‌ها تصادفی می‌باشد و همچنین این توزیع بصورت نرمال بوده و در قسمت آمار استنباطی می‌بایست از آزمون‌های پارامتریک استفاده کرد.

نتیجه‌گیری: نتایج حاکی از آن است که بین مدیریت محلی با شاخص‌های توسعه اجتماعی رابطه همبستگی وجود دارد همچنین این رابطه همبستگی در بین مدیریت محلی و شاخص سطح زندگی بیش از دو شاخص توزیع درآمد و نرخ باسوادی می‌باشد.

واژگان کلیدی: مدیریت محلی، سطح زندگی، نرخ باسوادی، توسعه اجتماعی، معادلات ساختاری

مقدمه

امروزه نیاز به مدیریت برای دستیابی به توسعه در هر کشوری امری طبیعی است چرا که اساسا توسعه بدون مدیریت منجر به ناهماهنگی بین مولفه‌های مختلف شده و باعث آسیب پذیری و تضعیف روند توسعه شهری می‌شود. از این منظر، برنامه ریزی برای جلب مشارکت حضور آگاهانه و معنادار ساکنین در عرصه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، شهری، اقتصادی، رفاهی و امثال آن در مقیاس محلی، یکی از مهم ترین دغدغه‌ها و ضرورت‌های مدیریت سیاسی- فضایی، شهرداری تهران است (علوی تبار، ۱۳۷۹).

در این میان نهادهای محلی مانند شوراهای و شهرداری‌ها به دلایل مختلف در شکل‌گیری و سامان‌دهی مشارکت مردم به ویژه در مقیاس محلات و نواحی نقش ارزشمندی دارند. در تهران نیز در سال‌های اخیر با اهتمام مدیریت شهری و همکاری و مقابل سایر نهادها و سازمان‌های ذیربط، در قالب تشکیل و حمایت از فعالیت‌های «شورایاری‌های محلات» اقدامات بسیار خوبی در زمینه استفاده از ظرفیت مشارکت و همکاری شهروندان و توجه به اولویت‌ها و نیازهای محلی صورت گرفته است و فعالیت‌های دیگری نیز در این جهت به منظور فراگیر کردن رویکرد «محله محوری» در حال انجام است (جاجرمی، ۱۳۸۲).

امروزه در جامعه شهری برای دستیابی به توسعه پایدار، محلات بنیادی ترین عناصر و حلقه واسط بین شهر و شهروندان هستند از گذشته‌های دور محلات در شکل دهی و سامان دهی امور شهری جایگاه ویژه‌ای داشته اند. هر محله از طریق فراهم آوردن بنیادهای هویتی برای افراد و با در برداشتن ویژگی‌های خاص باعث می‌شد ساکنان آن نوعی احساس تعلق به محله داشته باشند و محله را از آن خود بدانند تا جایی که هر شهروند با نام محله‌ای شناخته می‌شد که در آن ساکن بود، به عبارتی دیگر، محله تبدیل به خاستگاهی هویتی برای ساکنین آن باشد و این امر باعث می‌گردد که شهروندان نسبت به مسایل مختلف محله حساسیت داشته باشند و به نوعی در حل این مسائل مشارکت کنند (علوی تبار، ۱۳۷۹).

تحولات ساختاری و بروز مسائل و مشکلات اقتصادی، اجتماعی و کاربردی مانند رشد سریع شهرنشینی، مهاجرت‌های روستایی لجام گسیخته به کلان شهرها و کاهش تجانس فرهنگی باعث شده است

که تعاملات اجتماعی مردم در سطح محله به حداقل برسد و این خود آغاز بحران عدم وفاق و همبستگی اجتماعی است. در میان انبوه مهاجرانی که به حاشیه شهرهای بزرگ هجوم آورده‌اند، محله در مقام خاستگاه و بنیان شکل دهنده هویت ساکنین، قدرت تعیین کننده خود را از دست داده است. امروزه بستر اجتماعی محلات (خصوصا محلات فرودست شهری) از نظر سرمایه و دارایی‌های نشات گرفته از شبکه روابط ساکنین و نحوه تعامل آنها با همدیگر بسیار ضعیف و فقیر است و افراد بیشتر از آنکه شهروند باشند باید آن‌ها را مردم خطاب کرد. مردمی که به دلیل لمس تاریخ طولانی استبداد و رعیت بودگی، مقوله‌هایی از قبیل شهروند بودن، مسئول بودن، تکلیف داشتن و حقوق داشتن و تصمیم‌گیری را تجربه نکرده و با این مفاهیم نزیسته اند. علاوه بر تاثیراتی که تاریخ مذکور بر جای گذاشته است، نبود و یا کم بودن زمینه‌های مشارکت شهروندان در اداره امور شهر، آنان را به افرادی منزوی تبدیل کرده است و در عوض شکل دادن به اجتماع شهروندان بیشتر به انبوه‌ها و توده‌هایی می‌مانند که همیشه چشم انتظار انجام کار از سوی فرادستان هستند چنین بحرانی باعث شده است که مدیریت شهری نیز در مقام متولی سامان دادن به مسائل شهری، با مردمی منفعل رو به رو باشد که با عدم مشارکت در فرآیندهای مدیریتی، هزینه‌های کلانی را به پروژه‌های مختلف تحمیل کنند.

بیان مسأله

توسعه پایدار شهری، از طریق تصمیم‌گیری مشارکتی در سطح محلی امکانپذیر است زیرا این سطح، با نیازهای روزمره‌ی زندگی افراد مماس است. در این میان وظیفه‌ی اصلی دولت مرکزی ایجاد تسهیلات حمایت همه جانبه و برداشتن موانع است و در عین حال بایستی از مداخله در اداره‌ی امور محلی پرهیز کند. علاوه بر این، باید از دورنگاه داشتن مدیریت محلی در اداره‌ی امور محلی پرهیز کند. علاوه بر این باید از دورنگاه داشتن مدیریت محلی در اداره‌ی امور اقتصادی اجتماعی شهر خودداری ورزد. چرا که مسایل محلی شهرها، راه حل‌های محلی را هم طلب می‌کنند و در نتیجه دورنگه داشتن مدیریت‌های محلی از تصمیم‌گیری در عرصه‌های اقتصادی - اجتماعی باعث می‌شود که امکان تربیت شهروند هدف دار و قانون گرا فراهم نیاید (شفیعی، ۱۳۷۸: ۴۸) مدیریت محلی بر اساس مسئولیت

محلّه و استفاده از ظرفیت‌ها و توانایی‌های محلات از طریق پرسشنامه و مصاحبه مورد بررسی و براساس نتایج بدست آمده عملکرد این دو محلّه را مورد ارزیابی و مقایسه قرار می‌دهیم و در نهایت عملکرد مدیریت محلی را در دو محلّه ارزیابی کرده و با ارزیابی متغیرهای موثر بر عملکرد مدیریت محلی، ارتباط آن با توسعه اجتماعی این محلات را بررسی می‌کنیم و راهکارهای عملی در جهت بهبود وضعیت موجود ارائه می‌دهیم.

اهمیت و ضرورت موضوع

امروزه مدیریت شهری و حکمرانی شهری و مدیریت محلی در راستای بهبود توسعه پایدار نقش بسزایی دارد و برای هموارسازی بستر تحقق گذار از حکومت‌گرایی به شهروندمداری نیازمند آموزش‌های جدید برای ایجاد و تثبیت حاکمیت قانون و حقوق شهروندی، وفاق‌گرایی، مشارکت، پاسخگویی و شفافیت، کارایی و اثر بخشی است که ضرورت اخذ آن هم برای شهروندان و هم مدیران و کارگزاران شهری روشن و واضح می‌باشد.

طی سال‌های گذشته شهرداری تهران فعالیت‌هایی را در راستای تحقق حکمروایی خوب انجام داده است یکی از استراتژی‌هایی که طی چند سال اخیر در شهرداری تهران به منظور افزایش مشارکت مردمی و محلی در اداره امور شهر بکار گرفته شد، مدیریت محلی و سرای محلات و اتکای به شوراهای محلی بوده است و در واقع اجرای مدیریت محلّه رهیافتی بر حکمروایی خوب شهری و در نهایت توسعه اجتماعی داشته است (برگرفته از مقاله ابعاد الگوی حکمروایی خوب شهری در تهران با تأکید بر نظریه دولت محلی توسعه‌گرا).

بطور خلاصه پیش شرط‌های اصلی تحقق عملی مدیریت محلی که لازمه توسعه‌ی پایدار شهری نیز به شمار می‌آید عبارتند از: توانایی فنی و مدیریتی حکومت محلی، مشروعیت سیاسی در تصمیم‌گیری، دسترسی به منابع و دارا بودن چارچوب حقوقی. که هر یک از این پیش شرط‌ها نقش به‌سزایی در کارایی مدیریت محلی در تحقق توسعه اجتماعی دارد. همچنین با توجه به این موضوع که مدیریت محلی شهری به شرط تکیه بر هویت محلی شهری درک جامع‌تری نسبت به حکومت مرکزی از شناخت منابع، بسیج نیروها، کسب مشروعیت و اعتماد سیاسی خواهد داشت و بهتر می‌تواند ارکان توسعه‌ی پایدار شهری را تحقق بخشد زیرا پایداری شهری در پیوندی تنگاتنگ با سلسله مراتب فضایی از سطح جهانی تا سطوح منطقه‌ای و محلی قرار می‌گیرد. لذا این

شهروندی، عدم تمرکز و احساس تعلق شکل می‌گیرد. (همان: ۳۰) کارایی نهادهای حکومت محلی بستگی به مشارکت فعال مردم در اداره‌ی امور محلی، استقلال مالی و خودکفایی، داشتن ضوابط و مقررات روشن و اختیارات گسترده و منفک از سایر نهادها دارد. (همان: ۲۷) در چنین شرایطی ساکنان شهر، آن را متعلق به خود احساس می‌کنند و بر این تصور خواهند بود بافت و کالبد شهر، مدیران شهر و نظایر این‌ها طبق خواسته‌های آنان انتخاب شده‌اند.

روی هم رفته تلقی مدیریت محلی، به مثابه‌ی بازوی اجرایی توسعه‌ی محلی و راه‌کاری موثر برای رسیدن به توسعه‌ی پایدار منبعث از نگرش سیستمی در نظریه‌ی عمومی نظام‌هاست بر این اساس و با توجه به محدوده‌ی شهری تهران، اگر بخواهیم راه‌کارهای تعمیق توسعه پایدار (توسعه پایدار که شامل توسعه اجتماعی، توسعه اقتصادی و... می‌باشد) را بر اساس مدیریت محلی در شهر تهران عملی نماییم، باید به خصوصیات و ویژگی‌های محلی شهر تهران توجه خاص داشته باشیم.

تهران شهری به مثابه‌ی سیستمی است که اجزای خاص آن دارای تعامل درونی و ارگانیک هستند. تراکم جمعیت، ساخت و ساز، حجم عظیم آلاینده‌ها، حاشیه‌نشینی و توسعه‌ی سکونتگاه‌های غیررسمی، کاهش کیفیت زندگی شهری، ترافیک سنگین، سهم اندک سرانه‌ی فضای سبز، غلبه‌ی بافت‌های جدید شهری بر بافت قدیم و از میان رفتن هویت تاریخی شهر و... اجزای اصلی تهران و حومه هستند و زمانی می‌توان براساس الگوی مدیریت محلی، توسعه‌ی پایدار را در این شهر متحقق ساخت که ۵ موضوع اساسی را با رویکردی محلی مدنظر قرار داد این موضوعات عبارتند از: بهبود اقتصاد شهری، تامین خدمات زیربنایی، مدیریت زمین، فقرزدایی، توجه به محیط زیست (رستگاری، ۱۳۸۹: ۱۴)

در این پژوهش حکمروایی خوب شهری، برنامه ریزی محلّه محور، مدیریت محلی، توسعه پایدار، توسعه اجتماعی، اهمیت و ضرورت توسعه مدیریت محلی در راستای مشارکت شهروندان و توجه به ظرفیت‌ها و توانایی‌های محلات را مورد بررسی قرار می‌دهیم و دغدغه اصلی محقق، سنجش تأثیر مدیریت محلّه‌ای بر توسعه‌ی اجتماعی می‌باشد و در ادامه به منظور ارزیابی تأثیر مدیریت محلی بر توسعه اجتماعی، دو محلّه شهرک غرب و ایوانک را به عنوان مطالعه موردی در ۳ محور اطلاع‌سانی و آگاهی، مشارکت شهروندان در اداره امور

روستا و کنترل و سیاست گذاری دولت در روستاهای کشور ایفای نقش میکند.

نوریان و مظفری پور (۱۳۹۲) در پژوهشی به ارزیابی عملکرد مدیریت محله محور با تاکید بر شاخصه‌های سرمایه اجتماعی مطالعه موردی محلات ۷ گانه ناحیه ۱ منطقه ۲۱ شهرداری تهران پرداختند. ایشان در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که: بین سرمایه اجتماعی و مدیریت محله محور همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد و سرمایه اجتماعی دارای ۳ شاخص می‌باشد:

شاخص سرمایه اجتماعی شناختی: آگاهی و اعتماد زیر مجموعه این شاخص قرار می‌گیرند، شاخص سرمایه اجتماعی ساختاری: مشارکت زیر مجموعه این شاخص قرار می‌گیرد، شاخص سرمایه اجتماعی ارتباطی: همبستگی و انسجام زیر مجموعه این شاخص قرار می‌گیرند. که کسب بیشترین امتیاز در بعد سرمایه اجتماعی شناختی توسط شاخص آگاهی، نشان از تلاش‌هایی داشته که در سطح محلات توسط مدیریت محله محور در راستای اطلاع رسانی صورت گرفته است. (۴- فنی (۱۳۹۲) در مقاله پژوهشی خود با عنوان «چالشهای نظام مدیریتی محله محور در توسعه پایدار کلانشهر تهران» به این نتایج دست یافت که مدیریت سنتی و غیر مشارکتی مانع توسعه پایدار است و در برنامه ریزی‌های کلان می‌بایست به مدیریتی مبتنی بر مشارکت محله‌ای توجه شود. تهدیدهای اصلی مدیریت محله‌ای عبارتند از: (۱) محله زدایی از بافت قدیمی به بافت جدید بدون در نظر گرفتن ظرفیت سازی برای حیات محله‌ای (۲) روند حذف نهادهای سنتی مدیریت امور محله (۳) شکل نگرفتن جدید نهادهای مدنی.

پیشینه خارجی

چاتو و همکاران (۲۰۰۸)، اینطور بیان می‌دارند که امید به زندگی یکی از شاخص‌های اصلی برای سنجش وضعیت بهداشتی است که در بسیاری از کشورها مورد استفاده قرار می‌گیرد سه عامل روی امید به زندگی موثر است اول منابع بهداشتی یا میزان هزینه‌های بهداشتی عمومی، دوم سبک زندگی نوع مصرف مواد غذایی و سوم عوامل اقتصادی- اجتماعی مانند درآمدسرانه، نابرابری درآمدی، سطح آموزش، فقر، بیکاری، محیط فیزیکی و آلودگی هوا

جکسون (۲۰۰۲)، در تحقیق خود میزان توسعه اجتماعی در سه کشور آمریکا، کانادا و سوئد بررسی کرد

تحقیق، در پی سنجش تأثیر مدیریت محلی بر توسعه اجتماعی میباشد و با توجه به اینکه ناحیه ۷ از نظر توسعه اجتماعی در سطح نسبتاً مطلوبی قرار دارد می‌خواهیم عملکرد مدیریت محله‌ی را در دو محله شهرک غرب و ایوانک بررسی و ارزیابی کنیم و راهکارهایی را جهت بهبود مدیریت محلی ارائه دهیم.

پیشینه پژوهش

پیشینه داخلی

توکلی نیا و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی به «ارزیابی عملکرد سرای محلات در راستای توسعه مدیریت محلی نمونه موردی سرای محله نیاوران، تجریش و اوین» پرداختند. ایشان در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که: برای رسیدن به برنامه ریزی محله مبنا و توسعه اجتماع محلی آنچه باید توسط مدیریت شهری و بخصوص مدیریت محله (هیات امناء، محله) در نظر گرفته شود توجه به ۴ عنصر ارتباط، آگاهی، مشارکت و اعتماد میباشد که هر یک از این‌ها در مدیریت محلی نقش به سزایی دارند و از طرفی در این پژوهش نتیجه رسیدند که برای توسعه مدیریت محلی باید در دستورالعمل و قوانین مربوطه بازنگری صورت پذیرد باید بین مدیر محله و اعضای شورایی روابط معین تعریف شود و انتخاب مدیر محله باید توسط خود مردم صورت گردد و همچنین برای بهبود وضعیت یک محله باید از ویژگی‌ها، توانایی‌ها و پتانسیل‌های یک محله بخوبی شناسایی و در جهت توسعه آن‌ها گام برداشته شود.

استلاجی (۱۳۹۱) در پژوهشی به «بررسی الگوی مدیریت روستایی در ایران با تاکید بر مدیریت محلی و مشارکتی دهیاری‌ها» پرداخت ایشان در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که: دلیل عمده‌ای که باعث شده است که توسعه روستایی بطور اعم و مدیریت روستایی بطور اخص از روند اندیشیده و طراحی شده منسجمی برخوردار نباشد و ضعف تشکلهای کارآمد مردمی و فقدان تشکیلات منسجم و یکپارچه حمایتی و پشتیبان در عرصه‌های روستایی از موانع تحقق توسعه روستایی به شمار آیند نبود مدیریت محلی می‌باشد. لذا ایجاد و فعالیت مدیریت‌های محلی در روستاها ضرورت داشته و با این دیدگاه مدیریت محلی نوین روستایی یعنی دهیاری‌ها تحت نظارت مستقیم مردمی نمایندگان اهالی



سال نهم

شماره سی و یکم

پائیز ۱۳۹۶



www.SID.ir

مبانی نظری

در تعریف بانک جهانی از مدیریت محلی، مدیریت محلی یک رویکرد شبه بازرگانی در حکومت و اداره شهر است که می‌تواند به استفاده موثر و کارآمدتر منجر شود (ماتینگلی، ۱۹۹۴). شارما مدیریت محله‌ای را به عنوان مجموعه‌ای از فعالیت‌ها معرفی می‌کند که در تعامل با یکدیگر توسعه اقتصادی، کالبدی و اجتماعی نواحی محلی را شکل می‌دهد و هدایت می‌کند. بر این اساس اصلی‌ترین وظیفه مدیریت محلی، مداخله در نواحی مختلف محلی با هدف ارتقای توسعه اقتصادی و بهروزی مردم و نیز تأمین خدمات ضروری مردم است (شارما، ۱۹۸۹).

توسعه یک فرآیند است نه برنامه، توسعه محصول مجموعه‌ای از خط‌مشی‌ها و برنامه‌ها نیست بلکه حاصل فرآیندی است که بواسطه آن جامعه از سطوح پایین انرژی، کارآمدی، کیفیت، بهره‌وری و پیچیدگی فهم، خلاقیت، لذت و کمال به سطوح بالاتر از آن ارتقا می‌یابد. یک جامعه زمانی آماده توسعه می‌شود که واجد مازاد انرژی، آمادگی و اشتیاق شود. فرآیند توسعه اجتماعی شبیه فرایند ذاتی تغییر اجتماعی نیست که بدون توقف در هر اجتماع زنده‌ای رخ می‌دهد بلکه نتیجه مداخله آگاهانه و تعهدی و با استفاده از ابزارهای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی به منظور به وجود آوردن تغییرات غیر تصادفی به سمت اهداف مطلوب است. به عبارتی توسعه اجتماعی، راهبردی اجتماعی در سطح کلان است در مقابل شیوه عمل بیماری‌شناسی در سطح خرد که در تأمین اجتماعی بکار می‌رود. توسعه اجتماعی از نظر حیطة عمل هم ملی و هم بین‌المللی است و در رابطه با نوع بشر به عنوان یک کل است. توسعه اجتماعی به اهداف بشردوستانه، آزادی، برادری، دوستی، برابری، عدالت، امنیت، صلح، همبستگی و انسجام متعهد است. به عبارت دیگر این توسعه طرفدار نهادهای اجتماعی و نظم اجتماعی انسانی شده است. رویکرد توسعه اجتماعی ذاتاً، بین‌رشته‌ای است. توسعه اجتماعی به تلاش‌های همکارانه و موزون تمام سیاست‌گذاران، طراحان، گروه‌های سیاسی گوناگون، متخصصان، دیوان‌سالاران، گروه‌های شهروندی و گروه‌های اجتماعی - اقتصادی نیاز دارد. توسعه اجتماعی به بنا کردن روابط پویا و سودمند میان بخش‌های گوناگون نیازهای انسانی از طریق طرحی یکپارچه و تحلیل سیاسی نیاز دارد (مدنی پور، ۱۳۹۰). مدل مفهومی پژوهش به قرار شکل ۱ می‌باشد.

وی اشتغال، درآمد، امنیت شغلی، حمایت‌های اجتماعی، بهداشت و سلامت، آموزش و پرورش و مشارکت مدنی را مولفه‌های اصلی توسعه اجتماعی بیان کرد.

ماتسویی (۲۰۰۴)، به بررسی شاخص‌های توسعه انسانی و اجتماعی از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۱ در کشورهای جنوب و شرق آسیا پرداخت و این کشورها را بر اساس شاخص‌های توسعه انسانی و اجتماعی رتبه‌بندی کرد. دانیل لرنر (۱۹۶۰) در چارچوب نظریه اشاعه فرهنگی قرار می‌گیرد و متکی بر این است که به واسطه بسط و نشر عناصر فرهنگی کشورهای غربی در کشورهای جهان سوم جریان نوسازی و تجدد به وقوع می‌پیوندد. مهمترین عوامل و عناصر در ظهور تحرک ذهنی و آمادگی روانی برای متجدد شدن از دید لرنر: بسط و گسترش رسانه‌های گروهی، سواد آموزی، ارتقای سطح تحصیلات، شهرنشینی و مشارکت است. مطابق نظر لرنر فرد نوگرا که برخوردار از سواد، شهرنشینی، وسایل ارتباط جمعی و همدلی است بالاترین میزان و درجه فکر و اندیشه نوگرایی را داراست و فرد سنتی یا روستایی کمترین میزان همدلی را دارد. به نظر لرنر جوامعی که توسعه‌یافته‌اند دارای میزان بالایی از همدلی هستند. وی دارای دیدگاه خطی است و سهم بالایی را به رسانه‌های گروهی و رسانه‌های جمعی در نوسازی روانی می‌دهد. (ازکیا، ۱۳۸۶: ۷۰)

فرضیه اصلی تحقیق: مدیریت محلی با توسعه اجتماعی ارتباط معناداری دارد.

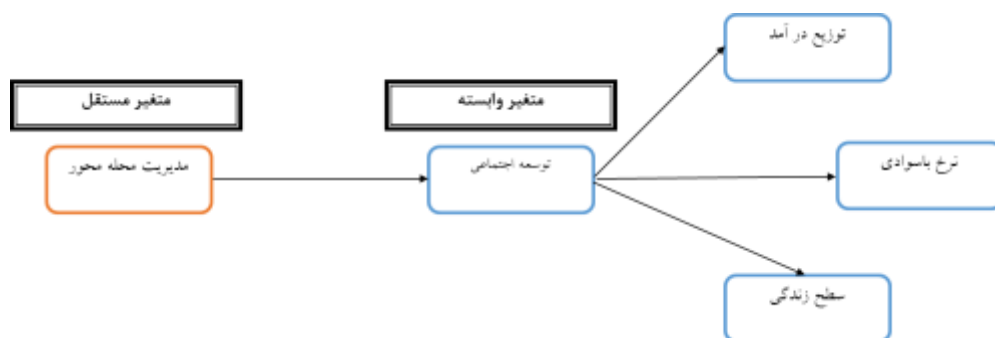
فرضیه‌های فرعی

- ۱) مدیریت محلی با سطح زندگی ساکنین ناحیه ۷ منطقه ۲ شهرداری تهران رابطه معناداری دارد.
- ۲) مدیریت محلی با نرخ باسواد ساکنین ناحیه ۷ منطقه ۲ شهرداری تهران رابطه معناداری دارد.
- ۳) مدیریت محلی با توزیع درآمد ساکنین ناحیه ۷ منطقه ۲ شهرداری تهران رابطه معناداری دارد.

هدف اصلی تحقیق: بررسی تاثیر مدیریت محلی بر توسعه اجتماعی

اهداف ویژه تحقیق

- ۱) بررسی تاثیر مدیریت محلی بر سطح زندگی
- ۲) بررسی تاثیر مدیریت محلی بر نرخ باسواد
- ۳) بررسی تاثیر مدیریت محلی بر توزیع درآمد

شکل ۱: مدل مفهومی پژوهش^۱

- حضور مسئولان در گردهمایی‌های محله سبب مدیریت بهتر محله می‌شود.
- ریش سفیدان و معتمدان محل نقش موثری در مدیریت محله ما دارند.
- اعتماد ساکنان به یکدیگر سبب ارتقاء بهتر مدیریت محله خواهد شد.
- ساکنین محله ما به نخبگان محله اعتماد دارند و همین امر سبب ارتقاء مدیریت محله می‌شود.
- ساکنین محله ما به مجموعه مدیریت محله اعتماد دارند.
- ریش سفیدان و معتمدین محل بهتر می‌توانند محله را مدیریت کنند (نوریان و دیگران، ۱۳۹۲).
- توزیع درآمد^۲ در یکی از مباحث قدیمی اقتصاد سیاسی از اهمیتی اساسی برخوردار است. منظور این است که درآمد حاصل از تولید چگونه میان عوامل تولید تقسیم می‌گردد یا هر یک از بخشهای اقتصادی چه میزان سهم می‌برند. توزیع نابرابر عوامل تولید طبعاً باعث توزیع نامناسب درآمد نیز خواهد شد. بنابراین باید قبل از تولید به منظور عادلانه کردن توزیع درآمد عوامل تولید به صورت عادلانه و برابر میان افراد و بنگاههای اقتصادی مختلف توزیع گردد. روشهای مختلفی برای اندازه گیری میزان توزیع درآمد موجود است که از آن جمله:

- ۱) توزیع درآمد برحسب ابعاد
- ۲) توزیع درآمد مبتنی برعوامل تولید
- ۳) توزیع مقداری درآمد.
- ۴) توزیع درآمد از طریق منحنی لورنز
- ۵) ضرایب جینی و مقیاسهای نابرابری درآمد

بنابر برخی از نظریات اقتصادی توزیع نابرابر درآمد یکی از شروط اصلی رشد اقتصادی می‌باشد و دلیلشان هم این است که نیازهای قشر پایین اجتماع اشباع شدنی نیست و چنانچه توزیع درآمد برابر باشد قشرهای پایین

همانطور که در مدل مفهومی مشخص گشته است، متغیر مستقل، مدیریت محله محور و متغیر وابسته، توسعه اجتماعی می‌باشد که بررسی تأثیر متغیر مستقل بر روی متغیر وابسته هدف اصلی این مدل می‌باشد. متغیر توسعه اجتماعی در مدل بکارگرفته شده به سه زیر متغیر توزیع درآمد، نرخ باسواد و سطح زندگی تقسیم گشته است. گویه‌های مدیریت محله محور به قرار زیر می‌باشند:

- به نظر می‌رسد در محله ما اطلاع رسانی بصورت روز آمد بوده و اخبار لحظه‌ای منتشر می‌شوند.
- در محله ما عدالت اجتماعی رعایت می‌شود.
- در محله ما توزیع امکانات بصورت عادلانه صورت می‌پذیرد.
- امور جاری در محله ما با مشارکت همسایه‌ها انجام می‌شود.
- در محله ما برنامه ریزی از پایین صورت می‌گیرد و شهروندان در این برنامه ریزی نقش مهمی دارند.
- پویایی و سازگاری در محله ما سبب مدیریت بهتر محله می‌شود.
- تعاملات اجتماعی در محله ما مناسب بوده و اکثر مشکلات با تعامل هم محله‌ای‌ها بر طرف می‌شود.
- در محله ما اخبار موثق منتشر می‌شود و جلوی انتشار شایعات و غیر موثق داده نمی‌شود.
- در محله ما انجام امور محله با جلب مشارکت شهروندان انجام می‌شود و شهروندان مشارکت فعالانه دارند.
- انتخابات آزاد و عادلانه شورای محله از ویژگی‌های بارز محله ماست.
- به نظر می‌رسد تهیه برنامه شهری مشارکتی در مقیاس محله سبب رشد محله ما شده است.

سطوح آموزشی بالاتر و عالی به دو گروه عمده قابل تقسیم است:

۱) آموزش پایه شامل دوره‌های تحصیلی قبل از دبستان، ابتدایی و راهنمایی تحصیلی است. همچنین آموزش غیررسمی سوادآموزی (بزرگسالان) بخشی از آموزش پایه به شمار می‌آید.
۲) آموزش نیمه تخصصی نظری شامل دوره‌های تحصیلی متوسطه نظری و پیش‌دانشگاهی است (دوره‌های متوسطه فنی و حرفه‌ای و کاردانش بخشی از آموزش فنی و حرفه‌ای محسوب می‌شوند). گویه‌های نرخ باسوادی به قرار زیر می‌باشند:

- هر زمان که بخواهم می‌توانم ادامه تحصیل دهم.
- شرایط برای ادامه تحصیلم در دوران کودکی فراهم بوده است.
- دولت امکانات لازم را برای ادامه تحصیل فراهم کرده است.
- در محله ما هرکسی که بخواهد می‌تواند از کلاس‌های سوادآموزی استفاده کند.
- تقریباً تمام افراد محله باسواد هستند.
- در محله ما کسی به سوادآموزی افراد بی سواد اهمیتی قائل نیست.
- به نظر می‌رسد دولت سیاست‌های مناسبی برای ارتقاء سطح سواد در محله ما دارد (رفیعیان و دیگران، ۱۳۸۴).
- مردم در کشورهای توسعه‌یافته به رفاه اقتصادی دست یافته‌اند ولی، احساس نمی‌کنند که زندگیشان، از کیفیت مطلوبی برخوردار باشد. پس، رشد شاخص تولید ناخالص داخلی که معرف رشد اقتصادی است، نمی‌تواند معیار بهبود کیفیت زندگی مردم تلقی شود از این رو، برای نخستین بار، در سال ۲۰۰۵ میلادی، واحد اطلاعاتی اکونومیست، شاخص اقتصادی و اجتماعی جدیدی را به منظور رتبه‌بندی کشورهای جهان ارائه کرد. این معیار رتبه‌بندی کشورها را شاخص سطح زندگی، نام‌گذاری کرده‌اند. گویه‌های سطح زندگی به قرار زیر می‌باشند:
- در محله ما وضعیت اقتصادی نسبت به گذشته بهتر شده و قدرت خرید مردم بالاتر رفته است.
- اگر روزی بیمار شوم امکانات مناسبی برای درمان در اختیار من قرار می‌گیرد.

تمامی درآمد خود را صرف خرید کالا می‌کنند، در صورتی که قشرهای بالا نیازهای اولیه خود را برطرف نموده و مازاد درآمدشان را پس انداز می‌نمایند. چنانچه توزیع درآمد نابرابر باشد رشد اقتصادی تسریع می‌گردد. گویه‌های توزیع درآمد را می‌توان به قرار زیر برشمرد:

- برای کسب درآمد در جامعه مشکلی ندارم.
- به نظر می‌رسد منابع مالی در جامعه بصورت عادلانه توزیع می‌شود.
- دستمزدی که دریافت می‌کنم کفاف خرج زندگی ام را نمی‌دهد.
- از شرایط مالی ام راضی هستم و به اندازه کارم حقوق دریافت می‌کنم.
- از توزیع درآمد در جامعه رضایت ندارم.
- برخی از افراد بدون زحمت به درآمدها کلان دست پیدا می‌کنند.
- احساس بی‌عدالتی در توزیع درآمد همیشه ذهنم را مشغول می‌کند (رستگاری، ۱۳۸۹).
- تفکر و اندیشه همواره در طول تاریخ موهبتی ارزشمند بوده است که عامل تکامل انسان تلقی می‌شود و این ویژگی انسان را از سایر موجودات متمایز ساخته است. بدون تردید اساس و بنیان پیشرفت اعجاب انگیز بشر در ارتباط مستقیم با علم و دانش بوده و برخورداری از آن به عنوان یک قابلیت ارزشمند و بی‌نظیر پیش شرط لازم برای تعالی و رشد ارزش‌های انسانی است. امروزه این اصل که حیات اقتصادی هر جامعه پیش از آنکه به وسیله عوامل اصلی تولید یعنی تنظیم کار و سرمایه رقم زده شود، مرهون سطح تعلیمات عمومی و سطح تحصیلات و سواد نیروی انسانی بوده، یک اصل پذیرفته شده است. از این رو، توجه به نقش آموزش و تحصیلات در توسعه انسانی امروزه بیش از پیش مورد تأکید سیاست‌گذاران قرار گرفته است. دلیل اصلی این موضوع بازده آموزش و تحصیل و نقش آن در رشد اقتصادی بوده است. تحقق اقتصاد دانایی محور نیز در گروی توانمند شدن ظرفیت‌های اقتصادی و اجتماعی یک جامعه و علمی محور شدن تولیدات آن است. علمی شدن ساختار تولید موجب گسترش ظرفیت‌ها، ارتقای فناوری، دسترسی به افق‌های جدید و رشد اقتصادی بالاتر می‌شود. از این رو، دستیابی همگانی به آموزش همواره یکی از اولویت‌های سیاست‌های توسعه‌ای در ایران بوده است. آموزش و پرورش عمومی با هدف انتقال مفاهیم دانش پایه، ارایه آموزش‌های اصلی و پیش نیاز

است. روایی و پایایی پرسشنامه مورد تأیید قرار گرفته است.

قلمروی مکانی تحقیق، منطقه‌ی ناحیه ۷ منطقه ۲ شهرداری تهران می‌باشد. قلمروی زمانی تحقیق سال ۱۳۹۵ و همچنین قلمروی پژوهشی تحقیق حاضر، بررسی تأثیر مدیریت محلی بر توسعه اجتماعی می‌باشد.

یافته‌ها

آزمون فرضیه‌ی اصلی

مدیریت محلی با توسعه اجتماعی ارتباط معناداری دارد. شرح آزمون: با عنایت به اینکه سوالات مطرح شده در پرسشنامه حاضر دارای سطح سنجش رتبه‌ای هستند لذا برای بررسی رابطه می‌بایست از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده کرد که فرض h_1 در این آزمون وجود رابطه همبستگی و فرض h_0 عدم وجود رابطه بین دو متغیر می‌باشد، که خروجی spss به شرح جدول ۱ می‌باشد.

تفسیر: با توجه به مقدار ضریب همبستگی که ۰/۴۲۸ می‌باشد و سطح معناداری که ۰/۰۰۰ بوده می‌توان با اطمینان ۹۵ درصد بیان کرد بین مدیریت محلی و توسعه اجتماعی رابطه همبستگی وجود دارد و فرض h_1 مورد قبول و h_0 رد می‌شود.

آزمون فرضیه‌ی فرعی اول

مدیریت محلی با سطح زندگی ساکنین ناحیه ۷ منطقه ۲ شهرداری تهران ارتباط معناداری دارد. شرح آزمون: با عنایت به اینکه سوالات مطرح شده در پرسشنامه حاضر دارای سطح سنجش رتبه‌ای هستند لذا برای بررسی رابطه می‌بایست از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده کرد که فرض h_1 در این آزمون وجود رابطه همبستگی و فرض h_0 عدم وجود رابطه بین دو متغیر می‌باشد، که خروجی spss به شرح جدول ۲ می‌باشد.

تفسیر: با توجه به مقدار ضریب همبستگی که ۰/۴۷۷ می‌باشد و سطح معناداری که ۰/۰۰۰ بوده می‌توان با اطمینان ۹۵ درصد بیان کرد بین مدیریت محلی و سطح زندگی رابطه همبستگی مستقیم وجود دارد و فرض h_1 مورد قبول و h_0 رد می‌شود.

- به نظر می‌رسد جامعه از ثبات سیاسی نسبتاً خوبی برخوردار است.
- به نظر می‌رسد نرخ طلاق در جامعه افزایش یافته و نسبت به گذشته افراد سریعتر اقدام به طلاق می‌کنند.
- زنان مشکل خاصی برای حضور در عرصه‌های مختلف جامعه ندارند و شرایط برای حضور آنان فراهم است.
- در محله ما امنیت برقرار است و همیشه احساس امنیت می‌کنم.
- امنیت شغلی در جامعه وجود ندارد و همیشه بیکاری از شغل ذهنم را درگیر می‌کند.
- برای انجام فعالیت‌های سیاسی آزادی داشته و می‌توانم در فعالیت‌های احزاب سیاسی شرکت نمایم.
- به نظر می‌رسد متوسط حقوق و درآمد زنان و مردان یکسان نبوده و نیروی کار زن ارزانتر از مرد است (شماعی، ۱۳۸۹).

روش تحقیق

این پژوهش با در نظر گرفتن اهمیت و جایگاه مدیریت محلی و تأثیر و جایگاه آن در میزان توسعه اجتماعی با روش «توصیفی-تحلیلی» انجام شده است. در این پژوهش ابتدا براساس مطالعات کتابخانه‌ای متغیرها و شاخصها (گویه‌ها) استخراج گشته و پرسشنامه مربوطه طراحی گشته است. سپس با بکارگیری آزمون آماری اسپیرمن به دلیل عدم نرمال بودن داده‌ها، داده‌های جمع‌آوری شده بوسیله پرسشنامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. قابل ذکر است کلیه محاسبات در نرم افزار تحلیل آماری spss انجام گرفته اند.

جامعه آماری در این تحقیق شهروندان تهران ساکنین ناحیه ۷ منطقه ۲ شهرداری تهران می‌باشد. نمونه آماری مورد نظر با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی بصورت میدانی انتخاب و پرسشنامه‌ها در بین آنها توزیع شد. حجم نمونه با استفاده از جدول مورگان ۳۸۴ نفر محاسبه شده است. در پژوهش حاضر از پرسشنامه محقق ساخته با ۴۰ گویه که سوالات آن بر اساس طیف لیکرت طراحی گشته اند، استفاده شده



سال نهم

شماره سی و یکم

پائیز ۱۳۹۶



www.SID.ir

جدول ۱: بررسی رابطه همبستگی فرضیه اصلی

توسعه اجتماعی	مدیریت محلی		
.428**	1.000	ضریب همبستگی	مدیریت محلی
.000	.	سطح معناداری	
371	384	تعداد	ضریب همبستگی اسپیرمن
1.000	.428**	ضریب همبستگی	
.	.000	سطح معناداری	توسعه اجتماعی
371	371	تعداد	

جدول ۲: بررسی رابطه همبستگی فرضیه فرعی اول

سطح زندگی	مدیریت محله محور		
.477**	1.000	ضریب همبستگی اسپیرمن	مدیریت محله محور
.000	.	سطح معناداری	
371	384	تعداد	ضریب همبستگی اسپیرمن
1.000	.477**	ضریب همبستگی اسپیرمن	
.	.000	سطح معناداری	سطح زندگی
371	371	تعداد	

آزمون فرضیه‌ی فرعی دوم مدیریت محلی با نرخ باسوادی ساکنین ناحیه ۷ منطقه ۲ شهرداری تهران ارتباط معناداری دارد.

شرح آزمون: با عنایت به اینکه سوالات مطرح شده در پرسشنامه حاضر دارای سطح سنجش رتبه‌ای هستند لذا برای بررسی رابطه می‌بایست از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده کرد که فرض h_1 در این آزمون وجود رابطه همبستگی و فرض h_0 عدم وجود رابطه بین دو متغیر می‌باشد، که خروجی spss به شرح جدول ۳ می‌باشد.

تفسیر: با توجه به مقدار ضریب همبستگی که 0.351 می‌باشد و سطح معناداری که 0.000 بوده می‌توان با اطمینان ۹۵ درصد بیان کرد بین مدیریت محلی و

جدول ۳: بررسی رابطه همبستگی فرضیه فرعی دوم

نرخ باسوادی	مدیریت محلی		
.351**	1.000	ضریب همبستگی اسپیرمن	مدیریت محلی
.000	.	سطح معناداری	
384	384	تعداد	ضریب همبستگی اسپیرمن
1.000	.351**	ضریب همبستگی اسپیرمن	
.	.000	سطح معناداری	نرخ باسوادی
384	384	تعداد	

جدول ۴: بررسی رابطه همبستگی فرضیه فرعی سوم

توزیع درآمد	مدیریت محلی			
.359**	1.000	ضریب همبستگی اسپیرمن		
.000	.	سطح معناداری	مدیریت محلی	
384	384	تعداد		ضریب همبستگی اسپیرمن
1.000	.359**	ضریب همبستگی اسپیرمن		توزیع درآمد
.	.000	سطح معناداری		
384	384	تعداد		

توسعه تنظیمات اجتماعی در کلانشهر برخوردار هستند، می‌داند. با این حال ساختار مدیریت شهری در ایران و خصوصا در کلانشهر تهران، همان ویژگی‌ها و محدودیت‌های ساختاری مدیریت سنتی را داراست.

با توجه به نتایج بدست آمده عواملی مانند اعتماد ساکنین به یکدیگر، عدالت اجتماعی، اعتماد ساکنین به نخبگان و معتمدین محله می‌تواند سبب ارتقاء سطح مدیریت محلی شود. در بررسی دقیق تر و توجه به عوامل مذکور می‌توان بیان کرد تقریباً کلیه شاخص‌های مهم تأثیر گذار در مدیریت محلی برگرفته از شاخص کلان تری بنام سرمایه اجتماعی هستند چراکه بدون شک، اعتماد و تعامل سبب ارتقاء سرمایه اجتماعی شده و سرمایه اجتماعی نیز سبب ارتقاء مدیریت محلی خواهد شد. تحقیقات صورت گرفته توسط لطیفی و همکاران (۱۳۹۳) نیز این نتیجه را تایید می‌کند این پژوهش نشان داد شاخص‌های محله پایدار شامل پویایی و سازگاری، تعاملات اجتماعی و همچنین شاخصه‌های مدیریت محله محور مانند مشارکت پذیری، ظرفیت اجتماعی که کیفیت آنها تأثیر مستقیم بر کیفیت محیط شهر و از آن طریق بر سطح رضایت شهروندان تأثیر دارد. تا این جای بحث برابر نتایج حاصل می‌توان دو نکته اساسی را بیان کرد: اول اینکه سرمایه اجتماعی مهمترین عامل تأثیر گذار بر شکل‌گیری مدیریت محلی است و دوم اینکه مدیریت محلی بر توسعه اجتماعی تأثیر دارد. اما بیان این مطلب که مدیریت محلی به چه صورت بر توسعه اجتماعی تأثیر دارد نکته اساسی بحث است. نتایج مقاله حاضر نشان می‌دهد مدیریت محلی از طریق تأثیر بر سه شاخص نرخ باسودای، توزیع درآمد و سطح زندگی سبب ارتقاء توسعه اجتماعی می‌شود در این میان مشخص می‌شود، مدیریت محلی با این سه شاخص نرخ باسودی، توزیع درآمد و سطح زندگی دارای رابطه همبستگی مستقیم می‌باشد. با توجه به تعریف رابطه

تفسیر: با توجه به مقدار ضریب همبستگی که 0.359 می‌باشد و سطح معناداری که 0.000 بوده می‌توان با اطمینان 95 درصد بیان کرد بین مدیریت محلی و توزیع درآمد رابطه همبستگی مستقیم وجود دارد و فرض H_1 مورد قبول و H_0 رد می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

در این بخش سعی خواهد شد نتایج حاصل از مقاله حاضر ارائه شده و در ادامه با نتایج تحقیقات دیگر مقایسه شود. نتایج بدست آمده نشان می‌دهد بین مدیریت محله محور و توسعه اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد و به بیان دقیق تر مدیریت محله محور بر توسعه اجتماعی تأثیر دارد. یافته حاصل از نتایج حاصل از رساله دکتری لطیفی (۱۳۹۳) هم راستا می‌باشد چراکه نتایج آن نشان می‌دهد، مدیریت محله به عنوان رویکردی تمرکززد، نقش تعیین کننده‌ای در رابطه با پیاده نمودن فاکتورهای توسعه شهری پایدار دارد. شاخص‌های محله پایدار شامل پویایی و سازگاری، تعاملات اجتماعی و همچنین شاخصه‌های مدیریت محله محور مانند مشارکت پذیری، ظرفیت اجتماعی که کیفیت آنها تأثیر مستقیم بر کیفیت محیط شهر و از آن طریق بر سطح رضایت شهروندان تأثیر دارد. تحقیقات یاری قلی (۱۳۹۲) نیز نتایج بدست آمده از مقاله حاضر را تایید می‌کند.

در تبیین نظری ارتباط میان مدیریت محله محور و توسعه اجتماعی باید بیان کرد، به دنبال تغییر در شرایط و عوامل گسترش و توسعه شهری در دوران اخیر، محله‌های مسکونی جایگاه ویژه‌ای در شکل‌گیری شهرها داشته‌اند. دیدگاه توسعه پایدار، حل مشکلات شهری را استفاده از نیروهای توانمند درون‌زا در محلات شهری یعنی، گروه‌ها و اجتماعات محلی به عنوان سرمایه‌های اجتماعی که از جایگاه و کارکرد ویژه‌ای از لحاظ حفظ و

- تعامل سازنده بین مدیران سازمان‌های مردم نهاد و شهروندان.
- توجه به خواسته به حق شهروندان و جلب رضایت عمومی مردم.
- مدیران محلی می‌توانند با شناسایی ا فشار ضعیف محله اقدامات مناسبی در ارتقاء وضعیت معیشتی آنان انجام دهند.
- مدیران محلی با شناسایی افراد بی سواد و کم سواد می‌بایست اقدامات لازم را درخصوص ارتقاء تحصیلی آنان اتخاذ کنند.
- فراهم ساختن مکان‌های عمومی جهت دور هم جمع شدن مانند کتابخانه‌های سیار در پارک‌های محلات، نمایشگاه‌های مختلف مانند سلامت، نمایشگاه دفاع مقدس و ... تنوع این برنامه‌ها در محلات مختلف و در زمان‌های مختلف باعث می‌شود که دور هم جمع شدن اهالی راحت تر شکل بگیرد و زمینه‌ای برای مشارکت مردم محلی با سایر برنامه‌های شکل گرفته توسط مدیریت محله و سایر نهادها و تشکل‌های محلی باشد.
- تدوین برنامه‌های تأمین بودجه و توزیع بودجه بر مبنای اصول سرمایه اجتماعی (آگاهی به مردم، برانگیختن احساس اعتماد و مشارکت و ایجاد حس همبستگی و انسجام) و بر اساس نیاز سنجی محلی (روش‌های بودجه ریزی مشارکتی).
- تقویت رویکردهای مشارکتی به نهادهای محله‌ای از جمله هیات‌های مذهبی، کانون‌های مالی و قرض الحسنه، گروه‌های شغلی، کانون‌های آسیب‌های اجتماعی و ...
- تقویت بسترهای ارزشی مانند صداقت، اعتماد و همکاری به عنوان مهمترین مؤلفه‌های همکاری ساکنین با گروه‌ها و تشکل‌های محلی در برنامه ریزی توسعه محله‌ای برای ساکنین محلات.
- تنظیم گزارش‌های ماهانه از فعالیت‌های تشکل‌ها و نهادهای محل‌های و مدیریت محله و تعبیه محل‌های مخصوص در معابر اصلی مانند بلوار یاس، لاله، نیلوفر، مساجد و بوستان‌های اصلی محله برای آگاهی ساکنین محلات و گزارش پیشرفت براساس برنامه چشم انداز توسعه محله‌ای و امکان به رأی گذاشتن توسط ساکنین محلی.
- ایجاد فضای رقابت و همکاری بین تشکل‌های محله‌ای جهت واگذاری امور کالبدی - فضایی و فعالیت‌های

همبستگی مستقیم می‌توان بیان کرد با ارتقاء شاخص‌های مدیریت محلی هر سه شاخص نرخ باسوادی، توزیع درآمد و سطح زندگی افزایش خواهند یافت که میزان این همبستگی بین مدیریت محلی و سطح زندگی از دو شاخص دیگر بیشتر است به بیان دقیق تر هرچقدر مدیریت محلی در محلات شهر تهران مورد توجه قرار گیرد سطح زندگی شهروندان نیز ارتقاء می‌یابد. برای تبیین این نتیجه به نظر می‌رسد بازگشت به چرخه سرمایه اجتماعی، مدیریت محلی و توسعه اجتماعی اجتناب ناپذیر است. نکته قابل تامل اینجاست که شهروندان با مشارکت فعال خود سبب ارتقاء سرمایه اجتماعی می‌شوند و با ارتقاء سرمایه اجتماعی مدیریت محلی تقویت می‌شود و با تقویت مدیریت محلی، سطح زندگی شهروندان ارتقاء می‌باشد. در یک نتیجه کلان تر می‌توان بیان کرد بازیگران اصلی عرصه توسعه اجتماعی همان شهروندان هستند هرچقدر شهروندان در تعاملات اجتماعی حضور چشمگیری و فعالی داشته باشند می‌توان شاهد توسعه اجتماعی در جامعه بود. در تبیین نظری این نتیجه می‌توان به نظریه عاملیت ساختار گیدنز استناد کرد. گیدنز در نظریه عاملیت ساختار که برگرفته از یک تئوری قدیمی تر بنام تقابل عینیت و ذهنیت می‌باشد، بیان می‌کند. ساختار می‌تواند هم توانا کننده باشد و هم تضعیف کننده رفتار عاملیت باشد در واقع این دو هم می‌توانند همدیگر را خنثی کنند و هم می‌توانند سبب رشد یکدیگر شود. در این میان ساختار را می‌توان مدیریت محلی و عاملیت را توسعه اجتماعی در نظر گرفت. در بیان روشن تر سرمایه اجتماعی سبب تقویت مدیریت محلی (ساختار) شده و مدیریت محلی هم می‌تواند سبب ارتقاء توسعه اجتماعی شود و در نقطه مقابل توسعه اجتماعی نیز می‌تواند هم سبب ارتقاء سرمایه اجتماعی شود و هم سبب تقویت مدیریت محلی باشد. در هر حال این شاخص مستقل از هم نمی‌باشند و می‌توانند متقابلاً بر هم تاثیر بگذارند.

پیشنهادهایی مبتنی بر یافته‌ها و نتایج تحقیق

- جلب اعتماد شهروندان برای مشارکت در فعالیت‌های محلی.
- تعیین سازوکار مناسب برای مدیریت بهتر محله و توجه به خواسته‌های شهروندان.
- استفاده از ظرفیت‌های تخصصی شهروندان برای اداره محله.

Sharma. (1984), "Action Planning for Cities, A Guide to Community Practice", New York: John Wiley and Sons Ltd.

Mattingly. (1993), "Building Communities from the Inside Out", ACTA Publications, Chicago. Kretzmann, John P, The effect of local management on community development (Case Study: Tehran 2nd District 7 area residents)

یادداشت‌ها

^۱ اقتباس مدل مفهومی مورد استفاده در پژوهش حاضر با بهره‌گیری از مقالات ارزیابی عملکرد مدیریت محله محور با تاکید بر شاخصه های سرمایه اجتماعی مورد پژوهی: محلات ۷ گانه ناحیه ۱ منطقه ۲۱ شهرداری تهران، نوریان، فرشاد، مظفری پور، نجمه و برنامه ریزی محله - مینا رهیافتی کارآمد در ایجاد مدیریت شهری پایدار، حاجی پور، خلیل، انجام شده است.

^۲ *Distribution of wealth*

فرهنگی- اجتماعی و امتیاز در به کارگیری مشارکت بیشتر ساکنین محلی.
• استفاده از بانک اطلاعات محله‌ای برای اولویت بندی فرایند سیاستگذاری و اجرای سیاست‌های محله‌ای.

منابع و مآخذ

شماعی، ابوالفضل (۱۳۸۹)، درآمدی بر شاخص‌های نابرابری درآمد و فقر، ابوالفضل ابولفتحی قمی، مرکز آمار ایران، تهران.

رفیعیان، مجتبی، هودنسی، هانیه. (۱۳۸۴) بازتولید سرمایه‌های اجتماعی در محلات شهری در رویکرد توسعه پایدار اجتماعات محلی، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
رستگاری، محمدعلی (۱۳۸۹)، کیفیت زندگی و شاخص خوشبختی، همشهری آنلاین، شنبه سیزدهم مردادماه.

نوریان، فرشاد، مظفری پور، نجمه (۱۳۹۲)، ارزیابی عملکرد مدیریت محله محور با تاکید بر شاخصه‌های سرمایه اجتماعی، نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی.

مدنی پور، علی (۱۳۸۹) فضاهای عمومی و خصوصی شهر، مترجم: فرشاد نوریان، چاپ دوم، انتشارات سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران، تهران.

جاجرمی، ا. (۱۳۸۲) مدیریت شهری پایدار، بررسی تجارب مشارکتی شهرداری‌ها و شوراهای اسلامی شهرهای ایران. تهران: انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور.

علوی تبار، علیرضا (۱۳۷۹) بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها، تجارب جهانی و ایران، انتشارات سازمان شهرداریهای کشور، چاپ اول، تهران. فیروزآبادی،

حاجی پور، خلیل (۱۳۸۵)، " برنامه ریزی محله - مینا " رهیافتی کارآمد در ایجاد مدیریت شهری پایدار.
شفیعی، حسین (۱۳۷۸) بررسی اثر توزیع درآمد بر رشد اقتصادی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه مازندران.

رستگاری، محمدعلی (۱۳۸۹)، کیفیت زندگی و شاخص خوشبختی، همشهری آنلاین، شنبه سیزدهم مردادماه.



سال نهم

شماره سی و یکم

پائیز ۱۳۹۶



www.SID.ir